

آسیب‌شناسی اتحاد در قرآن

رضاحمیدی
عضو حلقه علمی تاریخ

چکیده: وحدت یکی از آرمانهای همیشگی ادیان بوده و هست و پیام‌آوران، همواره در پی تحقق این پدیده دیرین بوده‌اند. پدیده‌ای که دارای اصول و ابزارهایی چون اصل یکتاپرستی، اصل پیروی از پیامبر اکرم ﷺ، اصل اخوت و... است. قرآن کریم، گذشت، صلح و آشتی، ایستادگی در برابر دشمن و تجاوز و... را عواملی برای تحقق آن برمی‌شمارد. اما این گزاره همیشه دستخوش آسیبها و خدشه‌هایی بوده است که مهمترین آنها را می‌توان عدم شناخت و جدایی از تقلین دانست. پیشینه این اختلاف و تفرقه در لسان قرآن، به «اهل کتاب» منتسب شده و دنیاخواهی، تعصب، پیروی از شیطان، جهل و... از جمله ریشه‌های آن است. قرآن برای این پدیده، آثار زیانباری چون فروپاشی هیمنه مسلمانان، شکست و ضعف و سستی آنان، جنگ و خونریزی و... بر شمرده و مرجع حل اختلاف و رهایی از این بند را تمسک و توسل به تقلین بیان می‌کند.

کلید واژگان: وحدت، قرآن کریم، تفرقه، انسان، اختلاف، مسلمانان.

مقدمه

آسیب‌شناسی (پاتولوژی) وحدت، در واقع، یادآور این نکته است که برای مسلمانانی که در دنیای غفلت‌آور زندگی می‌کنند، گذشته از تبلیغات عصر جدید که این غفلت را دو چندان کرده و آدمیان را به غفلت از هستی و وحدت جمعیشان فرا می‌خواند. دردشناسان رهیده از غفلت‌های طبیعی و مصنوعی، نیک‌خواهان، درداندیشان، مصلحان و وحدت‌بخشان اسلامی، در طول سده‌ها مردم را نسبت به مسئله تفرقه و آفتها و آسیب‌هایی که وحدت آنها را تهدید می‌کند، هشدار داده‌اند؛

بنابراین، آسیب‌شناسی وحدت در هر عصر، امری ضروری است تا مسلمانان اهمیت وحدت را بیشتر دریابند. در آیات بسیاری از قرآن، به مسئله اتحاد از دیدگاه اجتماعی آن نگریده و بر اهمیت آن میان جهانیان، ادیان، مسلمانان و نهاد خانواده تأکید شده است. در این آیات، پدیده اتحاد، امتنانی الهی دانسته شده و پیوند میان دلهای مؤمنان نوعی تصرف الهی شمرده شده است. در نگرش قرآنی، دلیل ایجاد و حفظ چنین یگانگی و همدلی و هم‌آیی در میان مؤمنان، ارسال پیامبران و عمل به شرایع دانسته شده و از امت خواسته شده تا با تمسک به دین و آموزه‌های قرآن و روش و سنت پیامبر ﷺ، اتحاد و انسجام خود را حفظ و تحکیم کنند:

﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾؛ «و این (دین اسلام) راه مستقیم و راست من است. پس، از آن پیروی کنید و از راههای دیگر پیروی نکنید که از راه خدا متفرق شوید».

در این آیه، به تفرقه و اختلاف، توجه شده است و آسیب‌های عدم اتحاد و اختلاف، روشن و تبیین شده است؛ آسیب‌هایی که نه تنها در دنیا و شیوه زیست و بهر‌مندی از آن پدیدار خواهد شد، بلکه برآیند آن به آخرت نیز کشیده شده و انسان از آثار سوء آن در امان نخواهد ماند.

پاتولوژی (pathology) که معادل فارسی آن «آسیب‌شناسی» است، مرکب از دو واژه یونانی «path=patho» به معنای رنج، محنت، احساسات و غضب و «Logy» به معنای دانش است. آسیب‌شناسی در بدو پیدایش، منحصر و محدود به حوزه علوم زیستی بود و به مطالعه و شناخت ریشه بی‌نظمیها در اعضای بدن انسان، حیوان و حتی گیاه می‌پرداخت.^۱

در عرصه اجتماعی نیز این واژه که اخیراً به طور وسیعی به کار می‌رود، به معنای شناخت و ریشه‌یابی بی‌نظمیهای اجتماعی است. با شناخت آسیب‌های وحدت، می‌توان پیش از وقوع دردها و بروز آفات دین‌ستیز و وحدت‌سوز به پیشگیری پرداخت و گلزار سلیم و سلامت و صلح و صفای مسلمانان را از آفتهای ناشناخته، ایمن داشت.

در این مقاله، ابتدا وحدت، عوامل و ریشه‌های آن و در ادامه، آسیب‌شناسی آن بررسی می‌شود. از این‌رو نوشتار حاضر بر آن است تا با تحلیل آیات و آموزه‌های قرآنی، بینش و نگرش قرآن را نسبت به آثار زیانبار اختلاف و عدم اتحاد، تبیین و تحلیل کند.

۱. انعام/۱۵۳؛ نیز، رک: ۷.

. علی محمد حق‌شناس، فرهنگ معاصر هزاره، ترجمه علی محمد حق‌شناس، حسین سامعی، نرگس لتخایی، ج ۲، ص ۱۲۳۷.

پرسشهایی که این مقاله در پی پاسخ آن است، عبارتند از:

۱. نگاه قرآن نسبت به وحدت چگونه است؟
۲. عوامل، شاخصه‌ها و فرایند وحدت در نگرش قرآنی کدام است؟
۳. آسیبهای وحدت کدام است؟
۴. ریشه‌ها و آثار تفرقه چیست؟
۵. مرجع حل اختلاف و تفرقه چیست؟

تعریف، فرآیند و شاخصه‌های وحدت

اتحاد به معنای یکی شدن، برگرفته از ریشه «وحد» به مفهوم یکتایی و یگانگی است.^۱ قرآن کریم موضوع وحدت و اختلاف را به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار داده است. از یک سو، فرآیند اختلاف را در تاریخ انسان، همراه با علل و عوامل پیدایش و راهکار برچیدن آن، مطرح کرده و از سوی دیگر، وحدت و یکپارچگی را در کنار اصول و راههای دستیابی به همبستگی، ارائه کرده است. همچنین، پدیده وحدت و اختلاف در جامعه اسلامی و راهکار ظهور اتحاد در بین مسلمانان نیز از نگاه قرآن دور نمانده است. در نگاه کلی، این فرایند به دو شاخه اصلی تقسیم می‌شود که عبارت است از:

الف) اختلاف و وحدت به مثابه پدیده‌های انسانی؛

ب) اختلاف و وحدت در میان ادیان الهی.

در خصوص شاخه نخست، قرآن کریم اساساً زندگی انسان را چون جامعه‌ای برشمرده که رفتارها و روابط همگون و یکسانی را در آغاز پی‌ریخته است: «مردم، امتی یگانه بودند، پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت و با آن کتاب (خود) را به حق فرفرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند و جز کسانی که (کتاب) به آنان داده شد پس از آن که دلایل روشن برای آنان آمد - به سبب ستم (و حسدی) که میانشان بود، (هیچ کس) در آن اختلاف نکرد. پس خداوند آنان را که ایمان آورده بودند، به توفیق خویش، به حقیقت آنچه در آن اختلاف داشتند، هدایت کرد».^۲

نیز می‌فرماید: «و مردم جز یک ملت نبودند، پس اختلاف پیدا کردند و اگر وعده‌ای از جانب پروردگارت مقرر نگشته بود، قطعاً در آنچه بر سر آن با هم اختلاف

۱. خلیل جر، فرهنگ لاروس، ترجمه حمید طیبیان، ج ۱، ص ۳۳.
بقره/۱.

می‌کنند، میانشان داوری می‌شد»^۱.

شایان ذکر است که شرایط خاص حاکم بر زندگی انسان و محیط زندگی او، با توجه به میزان نیازها و خواسته‌هایش، با پیدایش و استمرار وحدت، سازگاری تام دارد. هر قدر بر وسعت دایره امکانات و توان انسان افزوده می‌شود، همان اندازه از توان او در نفوذ و تسلط بر زمینه‌های جدید حیات اجتماعی - که گاه با سایر عرصه‌ها در تناقض است - کاسته شده و در نتیجه، امکان وصول به اتحاد را دشوارتر می‌سازد. سطح فرهنگ و دانش بشری نسبت به ابزارها و اسبابی که آفاق و مقاصد نوینی در پیش چشم آدمیان می‌گشاید، در این زمینه بی‌تأثیر نیست. در آغازین مرحله زندگی انسان که فطرت خدادادی بر آدمی تسلط تام دارد و در شرایط مناسب، او را پیش می‌راند، می‌توان تصور کرد که گاه پاره‌ای تجاوزه‌های فردی ناشی از هوی و هوس پیش می‌آید، اما خیلی زود پس از خاموشی آتش کینه، حسد، خشم و یا شهوت، بازگشت به فطرت پاک رخ می‌دهد. قرآن در این باره از حادثه فرزندان آدم سخن به میان می‌آورد. با گذشت این مرحله و عبور از برهه زمانی مشخص که جامعه انسانی در آن میان به تدریج شکل کاملتری به خود می‌گرفت و بر نیازها و خواسته‌هایش افزوده می‌شد، دوران اختلاف آغاز شد. آنچه در این زمینه می‌توان استنباط کرد، این‌که، بشریت همواره در تمامی دوران زندگی خویش، محکوم قانون اختلاف بوده است.

«و اگر پروردگار تو می‌خواست، قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می‌داد، در حالی که پیوسته در اختلافند، مگر کسانی که پروردگار تو به آنان رحم کرده و برای همین آنان را آفریده است»^۲.

بر این اساس، چنین به نظر می‌رسد که اختلاف، همچون واقعیتی خارجی، پیوسته در مراحل گوناگون تاریخی، حضور خود را حفظ کرده و خود نیز معلول قانون دیگری است که خداوند در زندگی انسان حاکم کرده است. این همان قانون امتحان و آزمایش است. چنین قانونی را باید، تنها راه پرورش و تکامل امتهای و افراد صالح دانست که با اختیار و خواست خویش، به‌رغم روییدن خواسته‌ها و پیدایش نیازها، در مسیر آن گام نهاده‌اند. دنیا با همه زرق و برق‌هایش، کوره امتحان آدمی و فرصت عمل برای دستیابی به کمال روحی و معنوی او نیز هست:

«آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار

۱. یونس/۱.
مآئده/۵.

نمی‌گیرند؟ و به یقین کسانی را که پیش از اینان بودند، آزمودیم تا خدا آنان را که راست گفته‌اند، معلوم دارد و دروغگویان را نیز معلوم دارد»^۱.

عامل اصلی پیدایش اختلاف در میان انسانها، هوا و هوس آنهاست که خداوند آن را همچون نیروی جاذبه‌ای که در فرآیند اراده و اختیار، با نیروی عقل و فطرت برابری کند، قرار داده است. در صورت هواپرستی آدمی و خروج از راه هدایت و عقل‌گرایی، به دلیل تعدی هواپرستان بر مردم و مجموعه هستی و نیز به سبب تضاد مصالح افراد و رقابتهای نادرست در رسیدن به جاه، مقام، قدرت و شهوت، پیدایش اختلاف، امری طبیعی خواهد بود. بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، این نوع اختلاف، نخستین اختلافی بوده است که از بستر تاریخ انسان سر برآورده و فرشتگان بنا به طبیعت آفرینش او، انتظار آن را داشته‌اند.

اختلافاتی که منشأ هوی و هوس داشت، در فضایی پدید آمد که زندگی انسان دگرگون شد و در ضمن آن، تحوّل عمیق و پیچیده پدید آمد. در نتیجه، آدمی، دیگر با تکیه بر اندیشه و استعدادهای خویش، به تنهایی نمی‌توانست بر مشکلات پیچیده و عمیقی که در زندگی با آنها رو به رو می‌شد، چیره شود. این دگرگونی با ظهور تحوّل دیگری، یعنی نزول کتب آسمانی و بعثت پیامبران، همراه شد. هدف آن بود که مردم به راه صلاح و هدایت رهنمون شوند و پیامبران به حق و عدالت درباره اختلافها و منازعات آدمی حکم دهند. گذشته از این، قرآن کریم به قصد از میان بردن اسباب اختلاف و گشودن راه تکامل در پیش پای یکایک افراد و جوامع انسانی و آگاه ساختن و پندآموزی به آدمیان، دو سنت دیگر را پایه‌گذاری کرده است:

۱. سنت مغفرت‌طلبی، توبه و بخشایش؛ تا راه بازگشت آدمی از گناهان و اشتباهات همیشه باز باشد.

۲. سنت انتقام در دنیا برای افراد و گروهها، به هنگام شدت گرفتن انحرافها و افزایش گناهان تا موجبات پندپذیری نسلهای آینده فراهم شود.

اما در مورد شاخه دوم - اختلاف اصولی وحدت در میان ادیان آسمانی - بنا به نظر قرآن کریم، وحدت و اتحاد باید بر پایه اصولی مشخص و شناخته شده بنا شود. در حقیقت، تحقق وحدت در میان آدمیان، بسته به وجود پاره‌ای وجوه مشترک است که نقطه آغازین وحدت قرار گیرد:

الف) ایمان به خدا، وحی آسمانی، نبوت و روز رستاخیز؛

ب) پذیرش عزت و کرامت انسان و احترام به او و آزادی عقیده و اندیشه و عمل وی. بر این اساس، هرگز نمی‌توان از اتحاد واقعی مؤمنان با کافران سخن گفت. البته ممکن است گاه در اثر پاره‌های ضرورتها در کنار هم گردآیند و کشوری واحد، محل تجمع آنان قرار گیرد و صلح و آرامش در میان آنان برقرار شود، اما این اتحاد حقیقی نیست؛ چرا که شرک به خدا و انکار وی، مانعی درونی و تناقضی اجتماعی بر سر راه اتحاد است.

شاخصه‌های وحدت میان ادیان الهی

قرآن کریم به موازات تلاش برای تصحیح انحرافات بنیادینی که دامن‌گیر پیروان اهل کتاب شده^۱، چارچوبی را برای وحدت میان ادیان الهی در طول تاریخ مشخص نموده است تا رابطه‌ای روحی و روانی میان مسلمانان و پیروان آیینهای دیگر پایدار بماند. از سویی، زمینه لازم برای همزیستی اجتماعی و سیاسی ادیان آسمانی را فراهم ساخته و از دیگر سو، کلیه معتقدان به خدا و روز رستاخیز را در صف مواجهه با بت‌پرستان، مشرکان و ملحدان قرار داده است. ابعاد و شاخصه‌های این چارچوب خاص عبارت است از:

۱. ایمان به خدای یکتا، وحی آسمانی، روز بازپسین، کتابها و رسالتهای پیامبران؛^۲
۲. تأکید بر وحدت پیامبران و پیامهای آسمانی؛^۳

همه پیامبران و پیامهای آسمانی، از یک منشأ - خداوند متعال - سرچشمه گرفته‌اند. پیامبران نیز موظف بوده‌اند پیامهای الهی را به بشر ابلاغ کنند و در تربیت و اصلاح او بکوشند، به نیکی و هدایت و صلاح رهنمون شوند و از بدی و فساد و گمراهی بازدارند.

۳. دعوت همگانی

دعوت‌های همگانی قرآن بدین قرار است:

- دعوت همگان به سوی اجرای احکام ثابت الهی مشترک در تورات و انجیل، به قصد روشن ساختن میزان اتحاد و نزدیکی میان ادیان، بویژه این که شریعتها مکمل همدیگر بوده‌اند. آیات مربوط به وجوب روزه، چگونگی قصاص و پرهیز از رباخواری، نمونه‌ای از این دعوتهاست.

۱. مائده، آیات ۷۷ و ۸۱؛ آل عمران/۸۱ و ۱۸۷؛ بقره/۷۸، ۷۹، ۸۵، ۸۶ و ۱۷۴.

۲. مائده/۷۷ و ۸۲.

۳. آل عمران/۸۱ و ۱۸۷.

- دعوت به مراجعه به تورات و انجیل در هنگام حلّ و فصل اختلافاتی که دامنگیر اهل کتاب می‌شد و توجه به مواردی که میان تورات، انجیل و قرآن مشترک است.

- دعوت به پذیرش آیین اسلام و اصول آن، حرمت نهادن به پیامبر اکرم ﷺ، قایل شدن اصل ابراهیمی برای اسلام و تأکید بر موقعیت ممتاز ابراهیم علیه السلام در آئین محمد ﷺ، با توجه به این که ابراهیم پدر پیامبران بنی‌اسرائیل و فرستاده‌ای است که آئینهای آسمانی به او منتهی می‌شود^۱.

بر این پایه، تأکید می‌شود که نام «اسلام» از سوی حضرت ابراهیم علیه السلام است و او خود، مسلمان (تسلیم محض خدا) و حنیف است و یهودی و نصرانی نیست. فراخوانی اهل کتاب بر پذیرش رسالت حضرت محمد ﷺ بر پایه تأکید بر بشاراتی است که پیامبران و کتابهای آسمانی پیشین داشته‌اند که قرآن کریم بارها این حقیقت را یادآور شده است.

با بررسی آیات قرآنی، به نظر می‌رسد، فرآیند وحدت را می‌توان در سه رهیافت کلی مورد بررسی قرار داد که به دلیل پرهیز از اطالۀ کلام تنها به اصول آن اشاره می‌شود:

- اصولی که برای وحدت در جامعه اسلامی پایه‌ریزی شده است.
- ابزارهایی که به منظور تضمین بقای این بنیان الهی، تحقق آن و مراقبت از آن به پیامبر اکرم ﷺ و آدمیان معرفی شده است.
- پی‌آمدها و آثار تحقق وحدت در جامعه اسلامی.

اصول وحدت اسلامی

اصول وحدت اسلامی نیز دارای اشکال مختلف و تفسیرهایی است که به اختصار بدان اشاره می‌شود.

اصل اول: یکتاپرستی

این اصل در گونه‌های مختلف ظاهر می‌شود:

الف) صحنۀ اتحاد همگان از رهگذر تمسک به ریسمان الهی:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ

۱. بقره/۵۶، ۸۵، ۷۹، ۷۸ و ۱۷۴.

إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛^۱ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا آن گونه که شایستهٔ پروا کردن از اوست پروا کنید و نمیرید مگر در حالی که تسلیم (فرمان او) باشید. و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید. و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید، آن گاه که دشمن یکدیگر بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت و در سایهٔ نعمت او با هم برادر شدید. و بر لب‌گودالی از آتش بودید، پس شما را از آن رهانید. این گونه، خدا آیات خود را برای شما بیان می‌کند. باشد که هدایت یابید.»

ب) صحنهٔ پدیدار شدن انس و الفت میان قلبها و همدلی بواسطهٔ عامل غیبی ﴿وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنُصْرِهِ وَالْمُؤْمِنِينَ﴾^۲ ﴿وَأَلْفَ بَيْتٍ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^۳؛ «و اگر بخواهند (با پیشنهاد صلح) تو را فریب دهند، خدا برای تو بس است. اوست که تو را به یاری خود و به وسیلهٔ مؤمنان تأیید کرد و میان دل‌هایشان الفت انداخت که اگر همهٔ آنچه در زمین است، خرج می‌کردی، نمی‌توانستی میان دل‌هایشان الفت برقرار کنی، ولی خدا میان‌شان الفت برقرار کرد. به راستی او عزتمند حکیم است.»

اصل دوم: پیروی از پیامبر اکرم ﷺ

اهمیت مسئله، برخاسته از مجموعه‌ای از عوامل، اصول اعتقادی و اخلاقی و مصالح سیاسی و اجتماعی است که به پاره‌ای از آنها به‌صورت گذرا اشاره می‌شود: الف) حضرت رسول اکرم ﷺ مقام تبلیغ رسالت را بر عهده دارد و سخنان او منشأ و حیانی دارد:

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾ ﴿إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾^۴؛ «و از روی هوی سخن نمی‌گوید. این (قرآن) جز وحیی که به او می‌شود، نیست.»

و در جای دیگر می‌فرماید:

﴿رَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا﴾^۵؛ «هر کس اطاعت پیامبر کند، در حقیقت خدا را اطاعت کرده است و هر کس روی بگرداند، (تو مسؤول نیستی و) تو را به عنوان نگهبان آنان نفرستاده‌ایم.»

۱. آل عمران/ ۱۰۲ و ۱۰۳.

۲. انفال/ ۶۲ و ۶۳.

۳. نجم/ ۳ و ۴.

۴. نساء/ ۴.

ب) رسول کسی است که در عین دارا بودن مقام نبوت و تبلیغ، مسؤولیت امامت جامعه را نیز بر عهده دارد.

معنای چنین سخنی آن است که اطاعت از رسول، در واقع، نشانه پایبندی به حاکمیت سیاسی اسلام و گویای اهمیت و نقشی است که قرآن و اسلام برای این حاکمیت در جامعه قایل است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ ﴿آلْم نَسْرَ إِلَى الَّذِينَ يُزْعَمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَيَّ الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و از این پیامبر و کسانی از خودتان که متولیان امر شما هستند، فرمان برید و اگر در چیزی با یکدیگر اختلاف پیدا کردید، اگر به خدا و روز واپسین ایمان دارید، آن را به خدا و پیامبر ارجاع دهید که این بهتر و سرانجامش نیکوتر است. آیا نظر نیفکنده‌ای به کسانی که می‌پندارند به آنچه به سوی تو و آنچه پیش از تو نازل شده است، ایمان آورده‌اند، ولی می‌خواهند داوری میان خود را نزد طاغوت ببرند، درحالی که قطعاً فرمان یافته‌اند که به آن کفر بورزند و شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دوری بيفکند». زمینه‌های اطاعت از «رسول» بسیار گسترده و گونه‌گون است و مصالح اجتماعی عمومی، خواسته‌های فردی خاص، مسائل روزمره‌آنی و انواع موضوعات دائمی و پایدار را در برمی‌گیرد. همچنین تأثیر طبع، نظرات و اجتهادات مختلف، رسوبهای اعتقادی، فکری، اخلاقی و فشارهای اجتماعی و اقتصادی را در این پیروی و اطاعت، نباید از نظر دور داشت. یکی از مهمترین آثار اطاعت از خدا و رسول، برچیده شدن نزاع و اختلاف و تحقق وحدت در میان مسلمانان است:

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾؛ «و خدا و پیامبرش را فرمان برید و با هم نزاع نکنید که سست می‌شوید و قدرت شما از بین می‌رود و صبر کنید که خدا با صابران است».

اصل سوم: حفظ روابط عاطفی میان رهبری و مردم

یکی از پایه‌های مهم وحدت اسلامی، حفظ موقعیت ممتاز رهبری دینی در جامعه

است. در این عرصه و حوزه قانونمند، وحدت اسلامی شکوفا می‌شود. تبدیل حالات خشک و بی‌روح، به پیوندهای پرطراوت روحی و معنوی و عاطفی که دوستی و مودت و احساسات پاک انسانی در آن موج بزند، بر عهده رهبری اسلامی است. بدین‌سان، رهبری، نقش عظیمی را در حفظ و استمرار وحدت اسلامی ایفا می‌کند.

﴿فِيهَا رَحْمَةٌ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَأَوْكُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لِّلْقَلْبِ لَانْفِصُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾؛ «پس به سبب رحمتی که از جانب خداست با آنان نرمخوی شده‌ای و اگر درشتخوی و سنگدل بودی، از گرد تو پراکنده می‌شدند. پس از آنان درگذر و برایشان آموزش بخواه و در کار (اداره جامعه) با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن، که خدا متوکلین را دوست می‌دارد».

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾؛ «همانا برای شما پیامبری از خودتان آمده است که رنج بردن شما بر او دشوار است و برهدایت شما حریص و نسبت به مؤمنان بسیار دلسوز و مهربان است».

اصل چهارم: اخوت دینی

اخوت دینی از دیدگاه قرآن، زمینه‌ساز شکوفایی وحدت اسلامی است و به آن نمود اجتماعی و ارزش انسانی می‌بخشد. دیدگاه قرآن درباره خون، نژاد، زبان، ملیت، جغرافیا، زمین، خاک، مصالح و منافع، ارزشها و آرمانهای انسانی، بر این پایه استوار است که بشریت از اصلی واحد برخوردار است.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾؛ «ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را شعبه شعبه و قبیله قبیله قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی‌تردید، گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست. به یقین، خدا دانا و آگاه است».

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾؛ «جز این نیست که مؤمنان با هم برادرند. پس میان برادرانتان سازش دهید و از خدا پروا بدارید. باشد که مورد رحمت قرار گیرید».

۱. آل عمران/۱۵۹.

۲. توبه/۱۲۸.

۳. حجرات/۱۳.

همان/۱۰.

اصل پنجم: موازین اخلاقی

محتوای کلیّ تعالیم اسلامی، محتوایی اخلاقی است. فلسفه بعثت رسول اکرم ﷺ تتمیم مکارم اخلاق بیان شده است. موازین اخلاقی، دارای شاخصه‌هایی چون وفاداری در عهد و پیمان، اجرای عدالت، ترویج فضیلتها و... است که هر یک در سنگ بنای خیمه وحدت اسلامی سهم قابل توجهی دارند.

ابزارهای تحقق وحدت اسلامی

مجموعه ابزارهایی که قرآن کریم در مقام تحقق بخشیدن به وحدت و وفاق عمومی در میان آحاد جامعه انسانی و اسلامی از آن سخن گفته، اختصاراً به شرح زیر است:

۱. دعوت و تبلیغ با شیوه حکمت و موعظه حسنه؛

۲. صلح و آشتی و تلاشهای خیرخواهانه؛

۳. گذشت و بخشایش؛

۴. ایستادگی در برابر دشمنی و تجاوز؛

۵. تکیه بر علم و دانش در مواجهه با حوادث.

عوامل وحدت آفرین از نگاه قرآن

قرآن به مسئله اتحاد از دیدگاه اجتماعی آن نگر بسته و بر اهمیت آن در میان جهانیان، ادیان، مسلمانان و نهاد خانواده تأکید کرده است و پیوند میان دل‌های مؤمنان را نوعی تصرف الهی می‌شمارد. برای ایجاد و حفظ چنین وحدتی، ارسال پیامبران را به همراه شرایع، ضروری می‌داند و راهکارهای گوناگونی را پیش‌بینی کرده که بخشی از آن، به جنبه پیش‌گیری از تفرقه و بخشی دیگر به درمان آن ناظر است:

توجه به نقاط مشترک

مخاطبان دعوت به یگانگی، نقاط مشترکی دارند که قرآن ایشان را بر یگانه‌شدن بر محور آنها فراخوانده است. مانند تأکید بر اینکه انسانها همه از خاک آفریده شده^۱ یا از یک پدر و مادر زاده شده‌اند^۲ و این که کرامت انسانی به همه انسانها تعلق دارد و

۱. حج/۵.

۲. حجرات/۱۳.

رنگ و نژاد در آن تأثیر ندارد.^۱ توجه دادن به این نقاط مشترک به منظور ایجاد یگانگی جهانی است. دعوت از پیروان ادیان آسمانی و اهل کتاب به نقاط مشترک عقیدتی^۲ نیز بدین سبب انجام گرفته است.

تمسک به ریسمان الهی

قرآن کریم در صریحترین آیه خود، در دعوت به اتحاد، تمام مؤمنان را به چنگزدن به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه فرا خوانده است.^۳ در برخی آیات نیز از تمسک جستن به خداوند، سخن به میان آورده است.^۴ در این که مقصود از ریسمان الهی چیست، مفسران اختلاف دارند. قرآن، کتاب و سنت، دین الهی، اطاعت خداوند، توحید خالص، ولایت اهل بیت: و جماعت، وجوهی است که در تفسیر آن بیان شده است. برخی نیز مفهوم «حبل الله» را شامل همه این معانی دانسته‌اند.^۵

با این حال، به نظر می‌رسد، نزدیکترین تفسیر برای این واژه، دیدگاه نخست یعنی «قرآن» است؛ چنان که در روایتی از رسول اکرم ﷺ «قرآن»، ریسمان الهی کشیده شده بین آسمان و زمین معرفی شده است.^۶ معرفی قرآن به ثقل اکبر در حدیث معروف ثقلین نیز مؤید این مدعاست. چنان که قرآن خود از مؤمنان خواسته تا در منازعات و اختلافات خود، به خداوند بازگردند^۷ و این رجوع الی الله، در روایت حضرت امیر علیه السلام به رجوع به قرآن تشبیه شده است. بنابراین، قرآن افزون بر آنکه می‌تواند در نقش محور یگانگی، ایجادکننده آن باشد، می‌تواند در هنگامه اختلافات، یگانگی پیشین را نیز اعاده کند. چنین نقشی برای قرآن بدان سبب است که افزون بر دعوت همگان به یگانگی و بر حذر داشتن ایشان از تفرقه، نظام عقیدتی، اخلاقی و عملی منسجم و هماهنگی را ترسیم کند که هر کس بدان رجوع کند، ناخودآگاه خود را با میلیونها پیرو قرآن یگانه بباید.

۱. اسراء/۷۰.

۲. آل عمران/۶۴.

۳. وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (آل عمران/۱۰۳).

۴. نساء/۱۴۶ و ۱۷۵؛ آل عمران/۱۰۱.

۵. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۳۶ و ۵۳۷.

۶. کتاب الله هو حبل الله الممدود من السماء إلى الأرض (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۱۸۲).
۷. فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ (نساء/۵۷).

مراجعه به سنت پیامبر ﷺ

افزون بر آن که قرآن، وجود پیامبر ﷺ را محوری برای همبستگی و یگانگی مسلمانان می‌شناسد^۱ و مراجعه به سنت حضرت را نیز از راهکارهای ایجاد یگانگی آن معرفی کرده است^۲؛ «بازگرداندن به رسول» در روایت حضرت امیر علیه السلام نیز «مراجعه به سنت پیامبر» تفسیر شده است. پیامبر ﷺ با توجه به عهده‌دار بودن جایگاه شرح و تبیین قرآن در کنار مقام رسالت^۳ خود، می‌تواند رافع منازعات و مشاجرات باشد؛ بدین سبب پذیرش داوری وی مورد تأکید قرآن است^۴. سنت حضرت به عنوان شارح قرآن، می‌تواند ابهامات و اشتباهات در فهم قرآن را که ممکن است زمینه‌ساز پراکندگی باشد، برطرف کند.

مراجعه به اهل بیت (علیهم السلام)

قرآن از امامان اهل بیت: با عنوان «أولی الامر» یاد کرده و اطاعت آنان را در جهت اطاعت خدا و رسول و سخن آنان را حجت دانسته است^۵. بدین سبب، از مسلمانان خواسته است تا در موارد اختلاف میان خود یا فهم دین، به آنان مراجعه کنند^۶. یکی از دلایل معرفی اهل بیت (علیهم السلام) در جایگاه ثقل اصغر - در روایت ثقلین از سوی پیامبر ﷺ - نقش مؤثر آنان در ایجاد و حفظ یگانگی بوده است.

امر به معروف و نهی از منکر

قرآن پس از فراخوان چنگ زدن به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه، از مسلمانان می‌خواهد که به امر به معروف و نهی از منکر قیام کنند^۷ و بی‌درنگ، به آنان هشدار می‌دهد که بسان پیروان ادیان پیشین که در دینشان دچار چنددستگی شدند، پراکنده نشوند^۸.

این امر، نشان‌دهنده آن است که امر به معروف و نهی از منکر، نقش ویژه‌ای در

۱. آل عمران/۱۵۹.

۲. فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ (نساء/۵۷).

۳. نحل/۴۴.

۴. نساء/۶۵.

۵. أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ (نساء/۵۹).

۶. وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ (همان/۸۳).

۷. وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (آل عمران/۱۰۴).

۸. وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا (رشیدالدین میبیدی، کشف الاسرار، ج ۲، ص ۲۳۵).

برقراری اتحاد و نیز جلوگیری از تفرقه ایفا می‌کند. برخی مفسران، این نقش را چنین تبیین کرده‌اند که اعتصام به حبل الله، برای امت به مثابه جان است، دعوت به خیر، این اصل را می‌پروراند و امر به معروف، حافظ و پشتیبان آن است.^۱ از نگاه برخی دیگر، امر به معروف و نهی از منکر، پوششی اجتماعی برای حفظ جمعیت است و حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست.^۲ عده‌ای بر این باورند که اجرای امر به معروف و نهی از منکر، به قدرت نیاز دارد و قدرت، به الفت و یگانگی بسته است.^۳ افزون بر آن، پذیرش چنین نقش مؤثری برای این دو فریضة الهی، بدان سبب است که پراکندگی در دین و چند فرقه شدن، یا ناشی از اشتباه در فهم متون دینی است، یا از هواپرستی افراد و گروهها سرچشمه می‌گیرد. از این رو، امر به معروف و نهی از منکر به صورت نظارت اجتماعی می‌تواند مانع رواج چنین انحرافات باشد، همان گونه که قرآن، عامل تفرقه را نادانی نمی‌داند؛ زیرا معتقد است مردم پس از آمدن ادله و براهین پراکنده شده‌اند.^۴ بدین جهت، گفته شده است که اگر میان یهود، انجام این فریضة رواج داشت، پراکندگی میانشان رخ نمی‌نمود.^۵

مراعات حقوق برادری

قرآن مؤمنان را به مثابه جانهای یکدیگر دانسته، از آنان می‌خواهد که بر یکدیگر عیب نگینند.^۶ همچنین بر حرمت سوءظن، تجسس و تهمت‌های ناروا، پای فشرده و غیبت کردن مؤمن را به مثابه خوردن گوشت مرده برادر خود دانسته است.^۷ و به سبب هم‌سویی چنین پیوندی با اراده الهی، راه مؤمنان را محور حق برشمرده و عدم پیروی از آنان را هم‌سنگ مخالفت با پیامبر ﷺ دانسته است.^۸ قرآن از مؤمنان خواسته است تا بسان بهشتیان، کینه‌ها از دل‌هایشان زوده شود^۹ و در درون جانشان به یکدیگر مهر ورزند و از خداوند، بخشایش برادران دینی را پیش از خود و نیز زدودن

۱. محمد رشیدرضا، تفسیر المنار، ج ۴، ص ۴۸.

۲. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۵.

۳. فخر رازی، تفسیر الکبیر، ج ۸، ص ۱۸۰.

۴. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۳۸۱.

۵. محمد رشیدرضا، تفسیر المنار، ج ۴، صص ۴۷ و ۴۸.

۶. وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ (حجرات/۱۱).

۷. حجرات/۲؛ نور/۲۳.

۸. نساء/۱۱۵.

۹. حجر/۴۷.

کینه، دربارهٔ برادران دینی را بخواهند.^۱ در روایات اسلامی بر اهمّیت پیوند برادری و کوشش برای استحکام آن، با انجام اموری چون به دیدار هم رفتن، هدیه دادن و...، نیز حقوق برادران ایمانی تأکیدهای فراوانی شده است. در روایتی از امام کاظم علیه السلام برای برادر ایمانی، هفت حق معرفی شده که با عدم مراعات هر یک، از ولایت الهی خارج می‌شود.^۲

اصلاح ذات‌البین

به رغم وجود عناصر اتحاد همچون وحدت عقیده، اختلاف و منازعه میان برادران ایمانی تا حدّی طبیعی و از رهاوردهای زندگی اجتماعی است. این اختلاف می‌تواند بر سر اموری باشد که تا سر حدّ صفا‌آرایی و جنگ در برابر یکدیگر پیش رود.^۳ قرآن برای مقابله با چنین اختلافاتی و به منظور پایداری یگانگی پیشین مؤمنان، از آنان خواسته است تا برای اصلاح میان برادران دینی و رفع منازعه، مداخله و در صورت ایجاد کدورت، خود به اصلاح در بین ایشان بپردازند.^۴ چنان‌که برای رفع اختلاف در نهاد خانواده، پا در میانی دآوری از دو طرف را برای اصلاح میان زن و شوهر پیشنهاد می‌کند.^۵

برنامه‌های عبادی

تشریح عبادات در اسلام به گونه‌ای انجام گرفته که فرد و اجتماع را خواسته یا ناخواسته به همگرایی و یگانگی عملی فرامی‌خواند؛ مانند:

الف) دعا: قرآن افزون بر دعوت از مؤمنان به مناجات با خداوند، در بردارندهٔ عالی‌ترین مضامین دعاهاست. بررسی مضامین این دعاها نشان می‌دهد که غالب آنها به صورت جمع ارائه شده است.^۶

ب) نماز: نماز نماد عبادت در اسلام است و هر مسلمان وظیفه دارد در شبانه روز، ده بار سورهٔ فاتحه را که جامع و هم‌سنگ همهٔ قرآن است،^۷ در نمازهای خود بخواند. با آن‌که کلمات این سوره از زبان یک شخص ادا می‌شود، در خطابه‌های آن، از ضمایر

۱. رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا (حشر/۱۰).

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، صص ۱۶۹ و ۱۷۰.

۳. حجرات/۹.

۴. حجرات/۹؛ انفال/۱.

۵. نساء/۳۵.

۶. غافر/۶؛ آل عمران/۱۹۱ تا ۱۹۴.

۷. محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۴۰.

و هیئت جمع استفاده شده است: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾؛ چنان که از مسلمانان خواسته شده است هنگام نماز، همگی رو به کعبه بایستند.^۱ این امر نشانگر این است که قرآن در پی ایجاد روح همگرایی و جمع‌نگری در دل هر مسلمان است. هر چند که تنها به نماز ایستاده باشد.

- نماز جماعت: تأکید بر حضور در مساجد و برقراری نماز جماعت ﴿...وَأَزْكُوا مَعَ الرَّائِعِينَ﴾^۲ و نیز نوید ثوابهای فراوان بر اقامه آن در روایات، از جمله برنامه‌های عبادی اسلام برای ایجاد همگرایی است.

- نماز جمعه: قرآن، برپایی نماز جمعه و رها ساختن تمام امور از جمله بیع برای ادای آن را مورد تأکید قرار داده است. بدون تردید، حضور در نماز جمعه، یکبار در هفته، در کنار حضور روزانه در نماز جماعت، راهکاری برای ایجاد پیوند و یگانگی بیشتر مؤمنان به شمار می‌رود و تأکید بر حضور مؤمنان در اجتماعات، ناظر به همین امر است.^۳

ج) مناسک حج: قرآن کریم یکی از حکمت‌های وجوب حج را مشاهده منافع از سوی مسلمانان دانسته است؛ ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ...﴾^۴. پیداست که از مهمترین منافع مورد نظر در این آیه، استحکام هر چه بیشتر پیوند برادری و یگانگی میان مؤمنان و نشان دادن قدرت آنان در صورت حفظ این یگانگی است.^۵ چنان که حرمت جدال و منازعه در حج و بر تن کردن لباسهای یکرنگ و سادۀ احرام و انجام مناسک حج، همزمان و در کنار یکدیگر، همین هدف را دنبال می‌کند.

آسیب‌شناسی اتحاد

اختلاف و ریشه‌های آن

اختلاف، تفاوتی اساسی با تفرقه دارد. اختلاف پدیده‌ای طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است، اما تفرقه غیرطبیعی و اجتناب‌پذیر. باید اختلاف بینشها و نگرشها را در چارچوب طبیعی آن محدود کرد تا به تفرقه نینجامد. تفرقه، هنگامی بروز می‌کند که موارد وفاق

۱. بقره/۱۴۴.

۲. همان/۴۳.

۳. جمعه/۹؛ نور/۶۲.

۴. حج/۲۸.

۵. همان؛ محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۴، ص ۳۶۹.

۶. بقره/۱۹۷.

و اتفاق در نظر گرفته نشوند و بر تفاوتها و اختلافها پافشاری شود؛ به گونه‌ای که پیروان دین «اسلام» با وجود ایمان به خدای یکتا و پیروی از پیامبر، کتاب و قبله‌ای واحد، یکدیگر را گمراه، کافر و اهل باطل بیندارند.^۱

قرآن اختلافات بشری را در چند دسته بیان کرده، عامل هر یک را یادآور شده و راهکارهای برون‌رفت از آن را نیز بیان کرده است. از جمله آن، اختلافات عقیدتی و اجتماعی است.^۲ این اختلافات از مهمترین و مؤثرترین اقسام اختلاف است.

قرآن کریم، پیشینه تفرقه در دین را به اهل کتاب (یهود و نصارا) منتسب می‌کند^۳، که آگاهانه بر اختلافات مذهبی پافشاری کردند و باب تفرقه در دین را گشودند.^۴ قرآن، امت موسی علیه السلام را نخستین گروهی دانسته که در دین تفرقه کردند.^۵ قرآن مسلمانان را از این که همانند آنان رفتار کنند، بر حذر می‌دارد.^۶ آنان ادعا می‌کردند که جز یهود و نصارا، پیروان هیچ دین دیگری به بهشت نمی‌روند^۷ و به مسلمانان می‌گفتند اگر می‌خواهید هدایت یابید، یهودی یا نصرانی شوید.^۸ در عین حال، حقانیت یکدیگر را نیز نفی می‌نمودند و همانند بی‌خبران از دین و مشرکان رفتار می‌کردند.^۹

طبق آیات قرآن، به نظر می‌رسد که تفرقه و اختلاف، معلول زندگی اجتماعی بشر است. قرآن در تحلیل مسئله اختلاف در میان مردمان می‌فرماید:

﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ﴾^{۱۰}

در این آیه بیان شده است که مردمان، امت واحد و یگانه‌ای بودند. پرسش این است که پس این اختلافات از کجا پدید آمده و نقش پیامبران و آموزه‌های آسمانی در این میان چیست؟ آیا منشأ اختلاف در میان امت واحد پیشین، آمدن پیامبران و آموزه‌های آسمانی بوده است؟

قرآن به همه این پرسشها پاسخ می‌دهد. از آیه یاد شده می‌توان استنباط کرد که

۱. آل عمران/۱۰۵؛ شوری/۱۴؛ بینه/۴.

۲. زخرف/۳۲.

۳. شوری/۱۴؛ بینه/۴.

۴. بقره/۲۱۳؛ آل عمران/۱۹؛ یونس/۹۳؛ جائیه/۱۷.

۵. هود/۱۰؛ فصلت/۴۵.

۶. آل عمران/۱۰۵.

۷. بقره/۱۱۱.

۸. بقره/۱۳۵.

۹. بقره/۱۱۳.

۱۰. بقره/۲۱۳.

امت واحده در زمانی که اجتماع را تشکیل دادند، به جهت تنازع و اختلاف در منافع و تضاد در مصالح، با یکدیگر درگیر شده و به اختلاف گراییدند؛ از این رو، نیازمند کسی بودند تا در میان ایشان به حق داوری کند و برای تنظیم روابط انسانی درست، کتاب و قوانین را تدوین کند تا بر پایه و اساس آن حرکت کرده و روابط اجتماعی خود را سامان دهند و از اختلافات و تنازع و درگیری پرهیز کنند. این چنین است که پیامبران به عنوان داورانی حق گو و مبین قوانین و تنظیم کنندگان روابط صحیح اجتماعی، برانگیخته می‌شوند. بنابر این تحلیل قرآنی، ریشه اختلافات را باید در اجتماع بشری جست. از آنجایی که انسان مستخدم بالذات است و می‌کوشد تا دیگری را برای اهداف و منافع خود به کار گیرد، مجبور می‌شود اجتماع را بر پا دارد تا از این طریق بتواند منافع خود را تأمین و دیگران را به استخدام گیرد و به تعبیر قرآن، آنان را مستخر خود گرداند. در این میان هر کسی می‌کوشد تا بر دیگری تسلط یافته و از منافع دیگری بهره برد و وی را به استخدام خود در آورد. بدین سان، تنازع و تضاد منافع پدید می‌آید. برخی حاضر نمی‌شوند به استخدام دیگری در آیند، یا منافع خود را در اختیار دیگری قرار دهند و یا این که می‌خواهند خود از منافع بیشتری بهره‌مند شوند. از این روست که طبیعت استخدام‌گری که موجب پدیداری اجتماعات شده است، خود، موجب تنازع و اختلاف و درگیری می‌شود و انسانهای هم‌رأی و هم‌عقیده را به جان هم می‌اندازد. بدین معنا که انسانها در یک اصل، هم‌رأی و هم‌عقیده بوده‌اند و آن مسئله استخدام دیگری و بهره‌گیری از منافع او بوده است؛ همان چیزی که در قرآن به امت واحده تعبیر می‌شود؛ زیرا امت در زبان عربی به گروه و جماعت هم‌رأی و هم‌عقیده گفته می‌شود که در راستای هدف واحد و یگانه‌ای گرد هم جمع شده‌اند.

بنابراین، امت واحده نخستین که در تاریخ بشری پدیدار شده، همان است که برای استخدام و بهره‌مندی از منافع اجتماع ایجاد شده است. قرآن در این تعبیر، قصد ندارد بیان کند که پیش از آمدن پیامبران، امت، به مفهوم انسانهای هم‌عقیده، هم‌دین و هم‌مذهب، به معنا و مفهوم امروزی آن بوده است، بلکه معنای لغوی آن که همان هم‌عقیدگی و هم‌روشی در به کارگیری و استخدام همدیگر، یعنی اجتماع اولی است، مراد است. به سخن دیگر، معنای امت در این آیه، همان اجتماع است. لذا می‌توان گفت، در نظر قرآن، استخدام، ریشه و منشأ اجتماع، یعنی امت، و نیز منشأ و سرچشمه اختلاف بوده است؛ از این رو، خداوند برای بقا و پایداری اجتماع و جوامع بی، پیامبران را با قوانین (کتاب) به میان مردم فرستاد تا در میان ایشان به قانون

حق، داوری و قضاوت کنند و جامعه را با قانون و بر پایه آن، مدیریت کنند. البته قرآن برای اختلافات بشری ریشه‌های دیگری را نیز ذکر می‌کند که عبارتند از:

- جهل و نادانی به حقایق^۱؛
- تعصبات جاهلی^۲؛
- دنیا خواهی^۳؛
- رذایل اخلاقی جامعه مانند خودخواهیها و تحقیر دیگران^۴؛
- تفسیر نادرست از آیات و تمسک به متشابهات به جای محکمت و سوء برداشتها^۵؛
- پیروی از شیطان و همراهی او در عمل به رذایل اخلاقی و هواهای نفسانی چون شرابخواری، قماربازی و...^۶.

در تحلیل قرآنی، این امور، عواملی است که موجبات تفرقه میان امت را فراهم می‌آورد و امت را به جای بهره‌مندی از اتحاد و آثار نیکوی آن به دامن اختلاف می‌کشاند و نتایج زیان‌باری را نصیب جامعه می‌کند.

در روایات مأثور از ائمه (علیهم‌السلام) و صحابه و تابعین، عبارت قرآنی ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً...﴾^۷ به «هَذَا دِينُكُمْ دِينٌ وَاحِدٌ» تفسیر شده^۸ و بیشتر مفسران، پیام این آیه را امر به اجتماع و اتحاد و نهی از تفرقه در دین و فرقه‌فرقه شدن مسلمانان دانسته‌اند.^۹ اما در آیات بعدی، فرقه‌فرقه شدن امت واحده بر اثر اعمال تفرقه‌انگیز امت‌های پیشین نکوهش شده است^{۱۰} و در چهار موضع از قرآن کریم، در کنار تعبیر «أُمَّةً وَاحِدَةً» آمده است که اگر خداوند می‌خواست، تمامی مسلمانان و پیروان ادیان دیگر را به صورت امتی واحد در می‌آورد^{۱۱}. بنابراین، تا زمانی که خداوند، چنین اراده‌ای نکرده است، وحدت جامعه بشری و جوامع دینی، همواره دستخوش اختلال خواهد

۱. بقره/۱۱۳.
 ۲. بقره/۱۷۰؛ محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۵، ص ۱۷۸.
 ۳. آل عمران/۱۹؛ بقره/۲۱۳.
 ۴. بقره/۱۱۳.
 ۵. آل عمران/۷.
 ۶. مائده/۹۱؛ یوسف/۱۰۰.
 ۷. انبیاء/۹۲؛ مؤمنون/۵۲.
 ۸. طبری، الجامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۶۷؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۹۹.
 ۹. شیخ طوسی، التبیان، ج ۲، ص ۵۴۶.
 ۱۰. انبیاء/۵۱، ۹۱، ۹۳ و ۹۴؛ مؤمنون/۳۱، ۵۱، ۵۳ و ۵۴.
 ۱۱. مائده/۴۸؛ هود/۱۱؛ نحل/۹۲؛ شوری/۸.

بود. گذشته از این که، در قرآن کریم، اختلاف در جوامع دینی به رغم ماهیت اولیه آنها - که امت واحده هستند - فرآیندی طبیعی به حساب آمده^۱ و منشأ اختلاف و تفرقه، «بعی» (خودخواهی و افزون طلبی انسان) دانسته شده است.^۲ در آیات دیگر، به کفر و سرکشی قوم یهود و به فراموشی سپردن یادآوریه‌های خداوند در میان نصارا اشاره شده و این دو امر، زمین‌ساز پیدایی اختلاف در میان ایشان دانسته شده و تا قیامت باقی است.^۳

در قرآن کریم، تفرقه دینی در کنار تفرقه اجتماعی، نهی و نفی شده، تفرقه‌گرایی در دین، در برابر برپایی دین به کار رفته و عامل تفرقه‌گرایی مشرکان، انس و عادت به مظاهر شرک دانسته شده است.^۴ خداوند، پیامبر اسلام ﷺ را به «استقامت» در تفرقه‌زدایی امر کرده است.^۵ در قرآن کریم، عجب و خودپسندی که بر پایه آن هر فرقه و گروه به آنچه خود دارند، خرسند و شادمانند و باورها و پایبندیهای فرقه‌های دیگر را ارج نمی‌نهند و به سخره می‌گیرند، سخت نکوهش شده است.^۶ در واقع، قرآن کریم تفرقه در دین را به طور مطلق نفی می‌کند و حساب اهل تفرقه را از پیامبر اسلام ﷺ جدا می‌سازد.^۷ چنان که پیامبر اسلام ﷺ نیز از پای نهادن به مسجد ضرار (مسجد نفاق) که منافقان مدینه آن را برای ایجاد تفرقه در میان مسلمانان بنا کرده بودند، نهی شد، تا مسلمانان در یابند که مسجد نیز هرگاه به پایگاه تفرقه تبدیل شود حتی پای نهادن در آن روا نیست.^۸

برای درک تأکیدات مستمر و گونه‌گون قرآن کریم بر وحدت و اتفاق، باید به وضع اجتماع و محیطی که قرآن در آن نازل شده است، توجه کرد. ویژگیهای اخلاقی، اجتماعی و محیطی اعراب، مانع همبستگی آنها به عنوان یک امت و موجب تفرقه و تکروی آنها می‌شد. از جمله این ویژگیها، گرایش جدی به آزادی و مقاومت در برابر اسارت بود که حتی هرودوت و دیگر مورخان یونانی و رومی را نیز به شگفتی واداشت.^۹

۱. بقره/۲۱۳؛ یونس/۱۹؛ هود/۱۱۸؛ شوری/۱۰۸؛ مائده/۴۸.

۲. بقره/۲۱۳؛ آل عمران/۱۹؛ شوری/۱۴.

۳. مائده/۱۴ و ۶۴؛ سجده/۲۵.

۴. شوری/۱۲؛ روم/۳۱ و ۳۲.

۵. شوری/۱۴ و ۱۵.

۶. مؤمنون/۵۳؛ روم/۳۲.

۷. انعام/۱۵۹.

۸. توبه/۱۰۷ و ۱۱۰.

۹. جوادعلی کسار، التفسیر الموضوعی، ج ۴، ص ۴۰۸.

از همین رو، عرب جاهلی، جز در پاره‌ای موارد ضروری، به هیچ‌گونه تعهدی تن نمی‌داد. افراط در اعمال این خصلت، به فردگرایی شدید و عنان گسیخته اعراب انجامیده و تشکیل جوامع بزرگ و امت را مانع می‌شد.^۱ اعراب در واقع تنها عشیره و قبیله را - که افرادش با هم نسبت خونی داشتند - به رسمیت می‌شناختند. این ویژگی، در تمام عربستان وجود داشت، اما در مدینه، به سبب وجود یهودیان و مسیحیان اختلافات مذهبی نیز بر این ویژگی افزون می‌شد و علاوه بر تفرقه اجتماعی، تفرقه دینی نیز وجود داشت.

از منظر قرآن، ریشه اختلاف در انسان، به مسئله استخدام‌گری او باز می‌گردد. قرآن در این باره به گرایش ذاتی بشر به مسئله استخدام توجه داده و می‌فرماید:

﴿... وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا﴾؛ «و ما برخی از مردمان را بر برخی دیگر به درجاتی برتری دادیم تا برخی از ایشان برخی دیگر را به تسخیر خود در آورند».

در این آیه، تسخیر و استخدام دیگری، به عنوان عاملی طبیعی در نهاد و سرشت بشر یاد شده است. همین مسئله می‌تواند عامل و ریشه اصلی بسیاری از اختلافات و پدیداری تضاد در منافع شود. برخی مفسران با استناد به آیاتی چند از قرآن، بر این نگره پافشاری می‌کنند که اصل در انسان، استخدام‌گری و تسخیر دیگری است و ریشه اجتماعات را باید در مسئله استخدام‌گری انسان جست؛ به این معنا که استخدام‌گری انسان موجب شد تا انسان به سوی جامعه گرایش یابد و جامعه‌پذیری به عنوان یک پدیده انسانی نمود پیدا کند. بنابراین، انسان نه تنها مدنی بالطبع نیست، بلکه مدنی بودن وی امری عارضی و در پی امر ذاتی دیگری به نام استخدام‌گری اوست.^۲

بی‌گمان نگرشهای گوناگون در تفسیر هستی، آفریننده آن، اسما و صفات پروردگار، فرجام کار جهان و سرانجام بشر، از مهمترین عوامل تفرقه و جدایی گروه‌های انسانی، پس از مسئله استخدام بوده است؛ چنان‌که اختلاف دینی میان ادیان نیز یکی از موارد اختلاف عقیدتی است. همه ادیان آسمانی بر اصل پرستش خداوند در جایگاه یگانه آفریننده هستی و مدبر آن، اتفاق نظر دارند. آنچه بیشتر میان ایشان تفرقه

۱. همان.

۲. زخرف/۳۲.

۳. محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۷۰، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۳۲ و ۳۸۸، ج ۳، ص ۱۷۰، ج ۴، ص ۲۵؛ ج ۷، ص ۲۷۶.

می‌افکنند، نوع اعتقاد به رسالت پیامبران است. البته ستم، طغیان و نیز سودخواهی و منفعت‌طلبی از عوامل دیگری است که موجبات جدایی را فراهم آورده است. قرآن از عالمان یهودی یاد می‌کند که دین فروشند و برای مادیات دنیوی حقایق را کتمان می‌کنند و موجبات تفرقه و اختلاف میان انسانها می‌شوند.

گاه ریشه اختلافات میان ادیان و مذاهب، شبهاتی نوپدید است. چنان‌که مسئله تثلیث و حلول الهی در عیسی علیه السلام و مانند آن، ریشه در این مسئله دارد.^۱ از آنجا که ریشه بسیاری از اختلافات مذهبی و فرقه‌ای میان امت واحد، گرایشها و تفسیرهای فرقه‌ای است، قرآن از مسلمانان خواسته است تا به قرآن، اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله تمسک جسته و از تفرقه بپرهیزند.^۲ این دعوت الهی نشان می‌دهد که قرآن کریم، ظهور چنین پراکندگی و تفرقه‌ای را پیش‌بینی کرده و به سبب خطر آفرینی آن، به شدت نسبت به آن هشدار داده است. برخی معتقدند تأکید قرآن بر اتحاد و پرهیز از اختلاف، به سبب پیش‌بینی وقوع اختلاف در میان امت اسلامی است؛ چنان‌که شیوه قرآن در مواردی از این دست همین‌گونه است.^۳ گذشته از انواع اختلافات دینی و عقیدتی که از نگاه قرآن، امری نکوهیده تلقی می‌شود، قرآن تفاوت شریعتها و قوانین هر یک از ادیان را به خدا نسبت داده است.^۴ شرایع مختلف با توجه به مقتضیات هر عصر و دوره‌ای آمده است؛ از این‌رو، لازم و ضروری بود تا با رشد تدریجی بشر و همگام با گذر زمان و متناسب با هر عصر و سطح نیازهای مردم همان دوران، شرایعی آورده شود. این شرایع با آمدن شرایع دیگر کامل و برخی از احکام آن نسخ می‌شد و قوانین جدیدی جای آن را می‌گرفت. این‌گونه بود که انسان به کمال لایق خود رسید و توانست بار مسؤولیت جدید خود را به دوش کشد و شریعت اسلام به عنوان دین کامل و آخرین شریعت و قوانین نمودار شود.^۵

اختلافات اجتماعی چنان‌که برخی تبیین و تحلیل می‌کنند، به جهت خصلت ذاتی استخدام‌گری بشر و تضاد منافع پدید می‌آید؛ زیرا زندگی گروهی، هرچند فوایدی چون تلاش متقابل برای رفع نیازمندیها دارد، مشکلاتی نیز در پی خواهد داشت که تنازعات و مراعات، از جمله آنهاست. در تحلیل قرآنی، ضرورت وجود قوانین و شریعت

۱. شهرستانی، ملل و نحل، ج ۱، ص ۲۰۹.

۲. *واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا...* (ال عمران/۱۰۳).

۳. محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۳، ص ۳۷۴.

۴. مائده/۴۸.

۵. مائده/۳؛ احزاب/۴۰.

و ارسال پیامبران و قوانین آسمانی، بر همین اساس تبیین می‌شود.^۱ این گونه است که اجتماع ساده‌ای که در آغاز حضور بشر بر زمین برای استخدام‌گری و بهره‌مندی از فواید اجتماع پدیدار شد، به جهت تضاد منافع به حدی از بحران و انفجار رسید که غیر قابل کنترل و مهارناپذیر بود. کشتار، قتل و غارت در میان آنان شیوع یافت و هر کس می‌کوشید تا دیگری را به بردگی گیرد و از منافع وجودی او بهره‌مند شود و یا تولیدات و دسترنج وی را به غارت برد. از این‌رو، پیامبران با قوانین آسمانی، برای مهار این بحران فرو فرستاده شدند تا داوری کنند و قوانین مهارکننده را به اجرا در آورند و در میان مردمان حکومت کنند.^۲

بسیاری از قوانین و آموزه‌های دستوری اسلام را می‌توان در حوزه قوانین قضایی و احکام مرافعات و حل منازعات و تنظیم امور اجتماعی دانست. این قوانین برای رفع دسته‌ای از اختلافات اجتماعی فرو فرستاده شده‌اند تا ضمن تنظیم روابط اجتماعی، با دستورهای اخلاقی، حقوقی، کیفری و جزایی مرافعات را کاهش داده و میان امت و اجتماعات، الفت و اتحاد برقرار سازند.^۳ از این‌رو، گفته می‌شود: «فلسفه توسعه رسالت و نصب جانشین برای پیامبران و پیامبراسلام ﷺ نیز حکومت، مدیریت، داوری و قضاوت در میان مردم و رفع مشاجرات و تنظیم امور اجتماعی درون امتی و برون امتی است»^۴.

عوامل تفرقه و جدایی در میان مسلمانان

علل و اسبابی که در قرآن کریم به تفرقه و جدایی منجر می‌شود، به شرح زیر است:

رهاکردن صراط مستقیم و رفتن به راههای شیطان

خدای متعال می‌فرماید:

﴿... وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۵؛ «از راههای

دیگر - جز صراط مستقیم - که موجب تفرقه و پریشانی شماست و شما را از راه خدا جدا می‌کند، متابعت نکنید. این است سفارش خدا به شما، باشد که تقوا پیشه سازید».

۱. علامه حلی؛ کشف المراد، ص ۴۶۹.

۲. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۹۵؛ محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۱۳۰.

۳. بقره/۲۱۳؛ ص ۲۶۱.

۴. شیخ انصاری، مکاسب، ص ۱۵۳.

۵. الانعام/۱۵۳.

از مفهوم این آیه برمی آید که دو راه در پیش روی ما قرار دارد: یکی راه خدا و دیگری راههای شیطان. اگر مردم راه خدا را ترک کنند و راههای شیطان را در پیش گیرند، دچار تفرقه و جدایی می شوند؛ چنان که واقعیت امت ما در این روزگار همین است. برای رسیدن به صراط مستقیم پیروی از سیره عملی و اخلاقی پیامبر ﷺ ضرورتی انکارناپذیر است.

به فراموشی سپردن بخشی از دین

خداوند متعال در آیه‌ای دیگر می فرماید:

﴿... فَتَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَعْرَبْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ...﴾^۱؛ «و از بهره آنچه به آنان داده شده بود، نصیب بزرگی را از دست دادند. پس در میانشان دشمنی و کینه را برافروختیم».

بر پایه این آیه، به فراموشی سپردن بخشی از دین خدا، به دشمنی و تفرقه مسلمانان می انجامد، به این معنا که هر کدام از مجموعه مسلمانان، فهم ناقصی از اسلام داشته باشند و هر یک بخشی از اسلام را به فراموشی سپارند. این امر، به جدایی و تفرقه میان مسلمانان انجامیده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ...﴾^۲؛ «آنان که دینشان را پراکندند و دسته دسته شدند، تو در چیزی با آنان شریک نیستی».

بغی (کینه توزی و حسد)

خداوند متعال می فرماید:

﴿وَمَا نَقَرُّوا إِلَّا مِنَ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ...﴾^۳؛ «به تفرقه و جدایی نگرایید مگر پس از آن که علم به آنان ارزانی شد، علت آن سرکشی در میانشان بود».

عدم بهره گیری از عقل سلیم

خداوند متعال می فرماید:

﴿... نَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾^۴؛ «می پنداری آنان متحد

۱. مائده/۱۴.

۲. انعام/۱۵۹.

۳. شوری/۱۴.

۴. حشر/۱۴.

هستند، در صورتی که دل‌هایشان پراکنده است، علت آن این است که آنان قومی هستند که نمی‌اندیشند».

دنیاگرایی و فراموش کردن آخرت

خدای تعالی می‌فرماید:

﴿... حَتَّىٰ إِذَا فَسِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْبْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا أَرَأَيْتُمْ مَا تَحِبُّونَ مِّنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ...﴾^۱؛ «تا وقتی که سستی کرده و در کار کشمکش نمودید، این کشمکش پس از آن چیزی بود که به شما آن را نمایانندیم و شما آن را دوست می‌داشتید. برخی از شما در پی دنیا بودید و برخی در پی آخرت».

از جمله عوامل تفرقه و جدایی میان مسلمانان فراموش کردن آخرت و اقبال به دنیاست. به همین دلیل، پیامبر خدا ﷺ مؤمنان را از سقوط در بیماری خطرناک جدایی و تفرقه و نابودی برحذر داشته است: «درهای دنیا بر شما گشوده نمی‌شود مگر آن که خداوند تا روز قیامت میانتان کینه و دشمنی می‌اندازد»^۲.
راه نجات از این بیماری بازگشت به راه خدا - صراط مستقیم - یعنی توحید دلها و فراموش نکردن آخرت است.

دوری از رحمت خدا

با ذکر مطالب گذشته می‌توان نتیجه گرفت که موارد آورده شده، از جمله عوامل دوری از رحمت خدا است که نتیجه آن تفرقه و جدایی است:
﴿... وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبِّكَ...﴾^۳؛ «همواره در اختلاف و کشمکش خواهند بود مگر کسی را که پروردگارت بر او رحم آورد».
ریشه جدایی مردم از یکدیگر، دوری از رحمت خداست. خداوند کسانی را که مشمول رحمت او می‌شوند، معرفی کرده است:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْتِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ...﴾^۴؛ «مؤمنان همگی یار و دوستدار یکدیگرند، به کارهای خوب فرمان می‌دهند و از پستیها باز می‌دارند و نماز را برپای

۱. آل عمران/۱۵۲.

۲. احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۸۹.

۳. هود/۱۱۸ و ۱۱۹.

۴. توبه/۷۱.

می‌دارند و زکات را ادا می‌کنند و از خدا و رسول او فرمان می‌برند. کسانی که دارای این صفات هستند، خداوند آنان را مشمول رحمت خویش قرار خواهد داد.»

هر که دارای صفات بیان شده در آیه است، مستحق رحمت خداست. چون مردم، لایق دریافت رحمت خدایند، دل‌هایشان به الفت و پیوند می‌رسد. بدیهی است که اگر مؤمنان نسبت به یکدیگر محبت نداشته باشند، مستحق رحمت خدا نمی‌شوند و در این صورت از رسیدن به وحدت و همدلی باز می‌مانند. اگر اهل ایمان نسبت به دیگران خیراندیش نباشند و مردم را به خوبیها فرا نخوانند و آنان را از بدیها باز ندارند، استحقاق رحمت خدا را از دست می‌دهند و به اتحاد و انسجام نمی‌رسند.

﴿لَعْنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾ ﴿كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ...﴾؛ «کافران بنی اسرائیل به زبان داوود و عیسی بن مریم لعنت شدند؛ زیرا خدا را نافرمانی کردند و اهل سرکشی و تجاوز بودند. آنان از کارهای زشت که انجام می‌دادند، خود را منع نمی‌کردند، چه زشت بود آنچه انجام می‌دادند.»

اگر مسلمانان نماز را اقامه نکنند و زکات ندهند، لایق رحمت خدا نمی‌شوند. اگر آنان از خدا و رسول او فرمان نبرند و دچار مصیبت شوند، در این صورت رحمت خدا را از دست می‌دهند و با از دست دادن رحمت خدا وحدت و همدلی را نیز از دست می‌دهند. بنابراین، بی‌توجهی به این صفات، در حقیقت بی‌توجهی به وحدت و همدلی مسلمانان است.

آثار زیانبار اختلاف و تفرقه

اختلاف در دین مبین، امری است نکوهیده و اگر پس از آشکار شدن حق، اختلافی صورت پذیرد برای ایشان عذابی عظیم است:

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾؛

«و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید و آنها عذاب عظیمی دارند.»

لذا خداوند مردم را امر می‌فرماید که متفرق نشوند:

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى

۱. مائده/۷۸ و ۷۹.

۲. آل عمران/۱۰۵.

وَعَيْسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ...»؛ «ایینى را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود و آنچه بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم، این بود که دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید و بر مشرکان گران است آنچه شما آنان را به سویش دعوت می‌کنید. خداوند هر کس را بخواهد برمی‌گزیند و کسی را که به سوی او بازگردد، هدایت می‌کند.»

و در پایان ذکر می‌کند که حکمت بعثت محمد ﷺ و نزول قرآن بر وی را بیان حقایق برای اختلاف‌کنندگان در مسائل دینی می‌داند:

﴿وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ...﴾؛ «ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف دارند، برای آنها روشن کنی و این قرآن مایه هدایت و رحمت است برای قومی که ایمان می‌آورند!».

قرآن تفرقه و اختلاف را در ردیف عذابهای آسمانی عنوان کرده و می‌فرماید: ﴿قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ...﴾؛ «گو خداوند قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد یا به صورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد و طعم جنگ [و اختلاف] را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشاند.»

قرآن به تفرقه‌افکنان هشدار داده و آنها را جدای از اسلام، و دشمن مسلمانان معرفی کرده و با قاطعیت می‌فرماید:

﴿إِنَّ الدِّينَ فَرَقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ...﴾؛ «همانا کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند، و به گروههای گوناگون تقسیم شدند، تو هیچ‌گونه رابطه‌ای با آنها نداری، سروکار آنها تنها با خدا است.»

قرآن گروه‌گرایی و پراکندگی را از برنامه‌های مشرکان می‌داند، مسلمانان را به شدت از آن نهی می‌کند و به انسجام، تحت پوشش توحید دعوت می‌فرماید:

﴿...مِنَ الْمُشْرِكِينَ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا...﴾؛ «از مشرکین نباشید، از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند، و به دسته‌ها و گروه‌ها تقسیم شدند.»

قرآن از مردم می‌خواهد که با توجه به پیامدهای زیان‌بار تفرقه و رهایی از آن،

۱. شوری/۱۳.

۲. نحل/۶۴.

۳. انعام/۶۵.

۴. انعام/۱۵۹.

۰. روم/۳۱ و ۳۲.

دست از تفرقه بشویند و به اتحاد و همبستگی و انسجام روی آورند. از جمله آثاری که قرآن برای اختلاف و تفرقه بیان می‌کند، ذلت مؤمنان و سیطرهٔ ستم‌گران بر ایشان است. قرآن با بیان داستان قوم موسی عليه السلام، به انگیزه و سیاستهای فرعون در ایجاد تفرقه و اختلاف میان قوم، اشاره کرده، دربارهٔ شیوه و چگونگی سیطرهٔ ذلت‌آفرین فرعون می‌فرماید:

﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِّنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ...﴾^۱ «فرعون در زمین علو و برتری جست و اهل زمین را به گروه‌ها و دستجات چندی تقسیم کرد تا گروهی از ایشان را ضعیف و ناتوان قرار دهد و به قتل و کشتار برخی اقدام کند و زنانشان را به بی‌حیایی کشد و آنان را برای مقاصد نفسانی و شوم، زنده نگه دارد».

از دیگر آثاری که قرآن برای اختلاف بیان می‌کند، سیطره و قدرت یافتن فرومایگان است؛ زیرا با اختلاف فرهیختگان و نخبگان، قوم، تضعیف و یا معدوم می‌شود و زمینه برای قدرت یافتن فرومایگان فراهم می‌شود. برخی، تعبیر قرآنی «برانگیختن عذاب از زیر پای مردم»^۲ را به معنای قدرت یافتن فرومایگان و کسانی دانسته‌اند که در طبقات زیرین اجتماع می‌زیستند و هیچ‌گونه اخلاق انسانی و رفتار پسندیده نداشته‌اند.^۳

جنگ و خونریزی بر اثر تفرقه و اختلاف از دیگر پیامدهای شوم و زیانباری است که قرآن بدان اشاره می‌کند. قرآن هشدار می‌دهد که در پی اختلاف، اگر جنگی بر افروخته شود، تنها دامن فتنه‌جویان را نمی‌گیرد، بلکه همه از این آتش زیان می‌بینند.^۴

شکست و ضعف و سستی از دیگر آثار اختلاف است. قرآن می‌فرماید:

﴿... وَلَا تَنَازَعُوا فِتْنَفْسَلُوا...﴾^۵؛ «منازعه و درگیری نکنید که شکست خورده و ضعیف، سست و ناتوان می‌گردید».

آیه در بیان علت شکست در جنگ احد به سستی و تنازعی که در میان لشکر اسلام پدیدار شد، اشاره می‌کند و می‌فرماید که علت این شکست، تنازع و درگیری بوده است که به جهت اختلاف و تفرقه پدیدار شده بود.

فروپاشی هیمنه و تسلط روحی و معنوی امت، از دیگر پیامدهای زیان‌بار اختلاف و تفرقه است که قرآن بدان اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۱. قصص/۴.

۲. انعام/۶۵.

۳. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۱۳۶.

۴. انعام/۶۵؛ انفال/۲۵.

۵. انفال/۴۶.

«اگر اختلاف کنید هیبت شما در چشم دشمنان فرو می‌ریزد و به دشمنان جرئت می‌دهد تا به شما یورش آورند و این گونه می‌شود که شما همانند بادی به هوا برخاسته و نابود می‌شوید و از شما چیزی باقی و پایدار و برقرار نمی‌ماند»^۱. خداوند برای این که مردمان و امت اسلام را از تفرقه و اختلاف دور سازد، تشدید مجازات را به عنوان عامل بازدارنده قرار داده و یکی از عوامل تشدید مجازات و نیز تشدید قوانین و سخت‌گیری در قانونگذاری را گرفتاری امت در تفرقه عنوان می‌کند. در داستان اصحاب سبت که امت یهود دچار تفرقه شده بودند، خداوند علاوه بر عذاب سخت ایشان، قوانین شدید دیگری را وضع می‌کند تا دیگر در پی اختلاف نروند^۲. در برخی تفاسیر آمده است که خداوند روز جمعه را روز استراحت و انجام برنامه‌های عبادی قرار داده بود، اما یهود با این ادعا که خداوند تا روز جمعه مشغول خلقت بوده است، روز شنبه را روز استراحت خدا و خود قرار داده و آن روز را تعطیل کردند. خداوند نیز آن روز را برای ایشان روز تعطیل قرار می‌دهد و این حکم تشریحی تشدید شده را نسبت به آنان اعمال کرد که نباید در روز شنبه کار کنند. با این همه، گروهی برای ماهیگیری وسوسه شدند و روز عبادت را به کار پرداختند، که خداوند آنان را مجازات کرد و به شکل میمون درآورد. در این آیات، بیان می‌شود که علت تشدید قوانین، اختلاف ایشان بوده است، چنان که تشدید مجازات نیز به جهت همان قانون تشدید صورت می‌گیرد^۳.

سخن آخر

قرآن همواره بر ایجاد اتحاد و همدلی تأکید نموده و آن را امری ضروری به شمار آورده است؛ چرا که تفرقه، پدیده‌ای است که آثار سوء آن دامنگیر فرد و اجتماع می‌شود. طبق آموزه‌های دینی؛ قرآن، پیامبر و سنت ایشان به همراه امامان معصوم (علیهم‌السلام) - به عنوان اولوالامر و جانشینان به حق پیامبر ﷺ - تنها کسانی هستند که به عنوان مرجع حل اختلاف امت مطرح شده‌اند.

﴿... فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ...﴾^۴؛ «هر گاه در چیزی اختلاف و نزاع

۱. همان.

۲. اعراف/۱۶۳ و ۱۶۶؛ نحل/۱۲۴.

۳. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۱۵؛ شیخ طوسی، التبیان، ج ۶، ص ۴۳۸؛ محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۳۷۰.

۴. نساء/۵۹.

کردید پس آن را به سوی خدا و پیامبرش برگردانید».

خدای سبحان همه مؤمنان را به وحدت بر محور ریسمان الهی که همان قرآن کریم و عترت طاهرین: است، دعوت می کند. چرا که حاکمیت اتحاد میان مسلمانان، یعنی حاکمیت الله و این همان مدینه فاضله ای است که آرمان بزرگان دین ما است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
 ۲. ابن حنبل، احمد، المسند، دار صادر، بیروت، بی تا.
 ۳. انصاری، مرتضی، مکاسب، بی تا، بی نا.
 ۴. جر، خلیل، فرهنگ لاروس، ترجمه حمید طیبیان، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۰ ش.
 ۵. جوادعلی، کسار: التفسیر الموضوعی، مؤسسة الثقلمین الثقافیة، بیروت، ۱۴۲۱ ق.
 ۶. حق شناس، علی محمد، حسین سامعی و نرگس انتخابی، فرهنگ معاصر هزاره (انگلیسی - فارسی)، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۷۹.
 ۷. حلّی، حسن، کشف المراد، تصحیح حسن حسن زاده آملی، النشر الاسلامی، قم، بی تا.
 ۸. رشیدرضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، تحقیق محمدجواد بلاغی، دارالمعرفة بیروت، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
 ۹. شهرستانی، محمد، ملل و نحل، منشورات الشریف الرضی، الطبعة الثانية، قم، ۱۳۷۷ ش.
 ۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الثالثة، بیروت، ۱۳۹۳ ق.
 ۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ناصر خسرو، تهران، بی تا.
 ۱۲. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق حبیب یغمایی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۶ ش.
 ۱۳. طوسی، محمدبن حسن، التبیان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
 ۱۴. فخر رازی، محمد بن عمر بن حسین، تفسیر الکبیر، احیاء التراث العربی، الطبعة الثالثة، دار بیروت، بی تا.
 ۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مکتبة الصدوق، الطبعة الثالثة، تهران، ۱۳۸۱ ش.
 ۱۶. متقی هندی، علاء الدین علی، کنز العمال، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۱۳ ق.
 ۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، الوفاء، الطبعة الثانية، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
 ۱۸. مکارم شیرازی، ناصر: تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- میبدی، رشید الدین، کشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری) امیرکبیر، ۱۳۶۱ ش.